

# Spiritual Wakefulness and the “Dark night” by John of the Cross<sup>1</sup>

Abdolkhalegh Jafari<sup>2</sup>, Bakhshali ghanbari<sup>3</sup>, Abdolreza Mazaheri<sup>4</sup>

(Received on: 2022-07-07; Accepted on: 2023-01-10)

## Abstract

“Dark night” serves as a metaphor for the soul’s progression towards God, as utilized by John of the Cross. He employs this metaphor to illustrate the various stages of the soul’s journey towards God, akin to mystical stages in other spiritual systems. The findings of this article suggest that, according to John of the Cross, the “dark night” symbolizes the soul’s transformative path toward God. It serves as a means to elucidate the soul’s transformative journey, marked by spiritual transcendence and union with God. John delves into two aspects of the soul’s journey: humanity’s quest for God and the divine pursuit of humanity, presenting an overarching activity-passivity dichotomy in each dimension of the journey. This transformation unfolds through a four-part structure: first, the active night of the senses, ascending Mount Carmel; second, the active night of the soul, also ascending Mount Carmel; third, the passive night of the senses; fourth, the passive night of the soul within the “dark night.” In Book I, John delineates the “negative” state of deprivation. The dark night represents a crucial step in relinquishing attachments and embarking on a path toward divine reunion, involving a journey on a dark path shrouded in indistinct elements. The soul’s connection during this night occurs independently of sensory aid, and the dryness and vacuums within the night are viewed as a means to comprehend both God and the soul.

**Keywords:** Spiritual wakefulness, dark night, meditation, John of the Cross.

---

1. This paper is derived from “Contemplation in sights of St. John of the Cross and ‘Alā’ al-Dawla al-Simnānī,” PhD diss., Islamic Azad University of Central Tehran Branch.

2. PhD Student, Department of Comparative Religions & Mysticism, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: jafari@ssu.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Comparative Religions & Mysticism, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author). Email: Bak.qanbary@iauctb.ac.ir

4. Professor, Department of Comparative Religions & Mysticism, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: 3Mazaheri711@yahoo.com

## بیداری معنوی و شب تاریک روح از دیدگاه یوحنا صلیبی<sup>۱</sup>

عبدالخالق جعفری<sup>۲</sup>، بخشعلی قنبری<sup>۳</sup>، عبدالرضا مظاهری<sup>۴</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰]

### چکیده

در عرفان مسیحی برای توصیف سیر روح به سوی خدا از استعاره «شب تاریک» استفاده شده است. یکی از کسانی که از این استعاره برای سیر روح به سوی خدا بهره می‌گیرد، یوحنا صلیبی است. وی مراحل گوناگون سفر روح به سوی خدا را بیان می‌کند و به مثابه مقامات عرفانی در نظام‌های عرفانی دیگران به کار برده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد «شب تاریک» نزد یوحنا صلیبی، استعاره از راهی برای روح به سوی خدا و وسیله‌ای برای توضیح سفر روح در حال تحول و دگرگونی در مسیر تعالی معنوی است که مسیر اتحاد با خداوند را تجربه می‌کند. یوحنا بر دو جنبه از سفر روح متمرکز است: جستجوی انسان برای خدا و جستجوی الهی برای انسانیت. او در هر جنبه‌ای از سفر، دوگانگی فعالیت و انفعال را ارائه می‌دهد. این دگرگونی از ساختاری چهارگانه پیروی می‌کند: اول: شب فعال حواس، صعود به کوه کرمل؛ دوم: شب فعال روح، صعود به کوه کرمل؛ سوم: شب منفعل حواس؛ چهارم: شب منفعل روح و شب تاریک. یوحنا در کتاب اول صعود وضعیت «سلیبی» محرومیت را توصیف می‌کند. شب تاریک گامی برای از بین بردن دل بستگی‌ها و راهی برای اتحاد الهی است؛ به این معنا که تمام مسیر تاریکی با چیزهای مبهم پوشیده شده است. ارتباط با روح در این شب بدون کمک حواس است و شب با خشکی‌ها و خلأهایش وسیله‌ای برای معرفت خدا و نفس در نظر گرفته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** بیداری معنوی، شب تاریک، مراقبه، یوحنا صلیبی.

۱. این مقاله برگرفته از: عبدالخالق جعفری، «مراقبه به روایت یوحنا صلیبی و علاءالدوله سمنانی»، رساله دکتری، استاد راهنما: بخشعلی قنبری، گروه ادیان و عرفان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، ۱۴۰۱، است.
۲. دانشجوی دکتری، گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، Jafari@ssu.ac.ir
۳. دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
۴. استاد گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، Mazaheri711@yahoo.com

## مقدمه

عصر طلایی عرفان اسپانیایی در قرن شانزدهم همراه با بیداری معنوی بود که از مشخصات آن می‌توان به پایبندی به کتاب مقدس، دعا و تفکر اشاره کرد که تحت تأثیر شدید حال و هوای عرفانی یوحنا صلیبی (John Of The Cross, 1542 - 1591) بوده است. رویکرد او به الهیات آپوفاتیک/سلبی (Apophatic Theology) و در واقع ادامه الهیات سلبی دیونسیوس، او را به الگویی مناسب برای جذب علاقمندان عرفان نظری مسیحیت در قرن شانزدهم کرد.

یوحنا برای سفر درونی تحول معنوی، دستورالعمل‌های خود را با جزئیات بسیاری شرح داده است که از تجربه شخصی در زندگی روزمره، فقرش، کارهای دانشگاهی و بازتباب‌های خودش برخاسته بود. یوحنا اصول اساسی معنویت کرملیان را می‌پذیرد و خوانندگان خود را تشویق می‌کند در هر کار لازم برای تسهیل معنوی، مانند از بین بردن وابستگی‌های نامتعارف که روح را مسدود می‌کند، شرکت کنند. عمق دگرگونی، درک او از دگرگونی روح است که در انزوا و سکوت اتفاق می‌افتد؛ از این رو در بیان رویکرد عرفانی یوحنا باید گفت او نخستین گام در سیروسلوک عرفانی را در دوری از دنیا و تجرد، پرهیز از انانیت، ترک خانواده، ترک آسایش، خلوص نیت و صفای باطن می‌داند. یوحنا در سراسر آثار خود به زندگی همراه با ریاضت سخت و زهد شدید تأکید دارد و ارزش انسان را در مواجهه رضایت‌مندانه با همه سختی‌ها و بلاهای می‌داند که این نیز روندی بسیار سخت و دشوار است. عمل‌گرایی شدید و التزام سخت به دین از ویژگی‌های بارز یوحناست. به باور او هر کسی نمی‌تواند در مسیر سیروسلوک قدم بردارد. از سوی دیگر گذر از مراحل سیروسلوک بدون همراهی عشق ممکن نیست.

روح در این مسیر باید مراحل چهارگانه شب تاریک را برای رسیدن به وصال الهی طی کند؛ چراکه آنچه برای روح اتفاق می‌افتد، توصیف ناشدنی است. بی‌شک بدون گذار از مراحل نخستین، مراحل بعدی به وقوع نمی‌پیوندد.

یوحنا در تمام این مراحل فیض الهی و تقدم آن بر عمل را پیش شرط سیروسلوک معنوی می‌داند. او از عشق به منزله عطیه الهی یاد می‌کند که هم درد هم درمان است. یوحنا بخش‌های زیادی از کتاب شب تاریک و صعود به کوه کرمل (Ascent to Mount Carmel) را به تفاسیر صعود اختصاص می‌دهد. در این نوشتار با استفاده از نظر این عارف مسیحی به بررسی ماهیت «شب تاریک» (Dark Night) و نقش آن پرداخته شده است؛ پدیده‌ای در روح که در بوته عشق دگرگون می‌شود.

در مقاله جعفری و همکاران با عنوان «مراقبه به روایت یوحنا صلیبی و علاءالدوله سمنانی» مفهوم مراقبه بررسی شده بود؛ اما درباره بیداری معنوی و شب تاریک مطلبی وجود نداشت (جعفری و دیگران، ۱۴۰۱: ص ۸۷ - ۱۰۴). رضایی و محمودی (۱۳۹۲) در مقاله «فنا‌ی از خود و مرگ خودخواسته در اندیشه عین‌القضات و یوحنا صلیبی» از فنا‌ی از خود سخن گفته‌اند و در مواردی از بیداری معنوی در جایگاه یکی از راه‌های رسیدن به فنا یاد شده است (رضایی و دیگران، ۱۳۹۲: ص ۵۱ - ۶۲). همین نویسندگان در مقاله دیگری با عنوان «ویژگی‌های عشق الهی از دیدگاه یوحنا صلیبی»، به بررسی ویژگی‌های عشق از دیدگاه یوحنا صلیبی پرداخته‌اند که در مواردی البته به غایت اندک مطالبی را نقل کرده‌اند که می‌توان آنها را به بیداری روح ربط داد (رضایی و دیگران، ۱۳۸۷: ص ۱۵۳ - ۱۸۵). به هر حال با وجود مقالات یادشده به جرئت تمام می‌توان گفت مقالات یادشده مطالب این مقاله را پوشش نمی‌دهند.

بر این اساس این مقاله درصدد تبیین معنا و مفهوم شب تاریک روح از دیدگاه یوحنا صلیبی است که با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است. در واقع یوحنا این اصطلاح را برای بیان فرایند سلوک عرفانی در نظر گرفته است که ابتدای آن توبه و انتهای آن اتحاد با خداست.

## مراحل ورود به شب تاریک روح

یوحنا صلیبی اصطلاح «شب تاریک» را برای فرایند دگرگونی معنوی روح به کار برده است. مسیر اتحاد با خدا، راهی طولانی و اصلاح‌شدنی است تا زمانی که انسان سرزمین موعود اتحاد با خدا را ببیند و هدف از ورود به شب تاریک، تطهیر لازم برای تقرب به خداوند است (Muto, S. 1994: 27). فرایند تطهیر که یوحنا صلیبی آن را شب تاریک می‌نامد، دربرگیرنده فرایندی چهارمرحله‌ای است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

### ۱. شب فعال حواس، صعود به کوه کرمل

یوحنا سفر به سوی وصال الهی را با تمثیل صعود به کوه کرمل توضیح می‌دهد. در شرح شب تاریک بیان می‌کند مبتدیان می‌آموزند چگونه خود را از تعلقات زمینی رها کنند و درک می‌کنند برای رسیدن به اتحاد الهی، در زندگی تا چه اندازه دوری کامل از دنیا و بهره‌مندی از آزادی روح مورد نیاز است.

یوحنا هدف از شب تاریک را رسیدن روح به اتحاد کامل با خدا از طریق عشق بیان می‌کند. در این شب با از بین بردن تمایلات بی‌حد و حصر، شخص به جایگاهی در زندگی معنوی و صمیمیت با خدا می‌رسد که به مراتب از جایگاه آغاز نیایش فراتر است. در این شب توانایی‌های طبیعی (شنوایی، بینایی، بوییدن، چشایی و لامسه) دیگر پشتیبانی نمی‌شوند. در واقع لذت معنوی و بینش، سفر به شب آرام و آرام‌کردن قوای یادشده است (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 75-76). همان‌طور که شب چیزی نیست جز محرومیت از نور، در نتیجه همه‌اشیا از طریق نور مشاهده‌شدنی هستند. پس تاریکی برای قوه بینایی را می‌توان از بین بردن شهوت و تمایلات نامید. در شب همه چیز در تاریکی و خلأ است و جسم به وسیله نور روشن می‌شود؛ به گونه‌ای که وقتی نور خاموش شود، چشم

آنها را نمی‌بیند؛ به همین ترتیب انسان از تعلقات دنیوی که موجب خشنودی اوست لذت می‌برد. زمانی که امیال و لذت‌ها خاموش شد یا از بین رفت، او دیگر از آنها لذت نخواهد برد و برای گذر از شب تاریک و رسیدن به اتحاد الهی با خدا باید از همه دل‌بستگی‌های غیرخدایی به طور محض چشم‌پوشی کند. اگر این دل‌بستگی‌های بی‌حد و حصر از بین نرود، اثرات مضر برای روح خواهند داشت. یوحنا این اثرات را آسیب‌خصوصی و مثبت می‌داند. آسیب‌خصوصی مستلزم حذف فیض خداوند از روح است و آسیب مثبت شامل روی آوردن روح به دل‌بستگی‌های خسته‌کننده و عذاب‌آور است که روح را تاریک، آلوده و ضعیف می‌کند (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 84).

دل‌بستگی‌های بی‌رویه به تعلقات دنیایی به زیبایی روح آسیب می‌رساند؛ البته همه دل‌بستگی‌ها به یک اندازه مضر نیستند و مانعی برای اتحاد به خداوند نمی‌باشند (Peasgood, 2007: 193). دل‌بستگی‌های طبیعی مانند موسیقی، غذای خوشمزه و مکالمات تحریک‌کننده تجربیات حسی هستند؛ با این وجود اگر به آنها کم‌توجهی یا اصلاً توجهی نشود، ممکن است مانع جذب روح به خدا شوند. دسته دیگر تمایلات عاطفی است که دربرگیرنده دل‌بستگی، عشق به موجودات، میل و تمایل به چیزی بیان شده است. دسته سوم تمایلات معمولی و داوطلبانه که از موانع اصلی به سوی تحول درونی هستند، معمولاً عادات رایجی موجود در فرد مانند عادت رایج پرحرفی و ... را دربر می‌گیرد (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 84).

یوحنا برای اتحاد با خدا سه جنبه تطهیر، اشراق و اتحاد را طرح می‌کند. به طور معمول انسان به دو گونه فعال و غیرفعال وارد شب حس می‌شود. جنبه فعال از شب حس نقش مشارکتی شخص است که وارد نیستی می‌شود؛ جایی که چیزی جز خداوند، روح او را راضی نمی‌کند. در این حالت فرد از توجه به هر حسی چشم‌پوشی می‌کند؛ در نتیجه رضایت در عبادت و به دنبال آن خلوت و سکوت است.

یوحنا به خوانندگان اطمینان می‌دهد با اقتدا به مسیح و بهره‌مندی از عشق به عیسی مسیح، در مدت کوتاهی سود زیادی به دست خواهند آورد و باید بر میزان تلاش اضافه کنند که تلاش کلمه عامل است (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 102).

## ۲. شب فعال روح، صعود به کوه کرمل

نردبان مخفی در شب تاریک روح، نماد ایمان است که به مثابه مُبَدِّل نشان داده شده است؛ زیرا تمام پله‌ها یا ارکان ایمان هم از حواس هم از عقل مخفی و پنهان است. به نظر یوحنا صلیبی ایمان وسیله دستیابی به تقرب و صعود به اتحاد با خداست (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 107). لازمه ایمان و رسیدن به وصال خدا نه تنها دست‌کشیدن از لذایذ زودگذر حسی و مادی، بلکه رهاکردن توانایی‌های معنوی مانند افکار، رویه‌ها و انتظارات است و اینکه یاد بگیریم تنها بر ایمان خالص تکیه کنیم (Peasgood, 2007: 198).

یکی از دلایل تجربه برای روح تاریک، پشت‌سر گذاشتن تجربه شبانه است. ایمان نور عقل را باطل می‌کند و اگر این نور تاریک نشود، معرفت ایمان از بین می‌رود. ایمان آشکارا بسان شبی تاریک است. یوحنا مدام هدف سفر تاریک را دستیابی به دگرگونی فراطبیعی معرفی می‌کند و آن را مستلزم تاریک‌نشدن روح می‌داند: «این تحول و اتحاد چیزی است که از دسترس حواس و ظرفیت انسان خارج است، روح باید خود را از تمام متعلقات زمینی و آسمانی که درک می‌کند، خالی کند. یوحنا در بحث خود از ماهیت اتحاد با خدا از دو نوع اتحاد جوهری و اتحاد تشبیهی سخن گفته است؛ با این وجود بر این نکته توجه می‌کند که خداوند حافظ همه آدمیان است و در آنان سکنی گزیده است، هرچند آنان درکی از حضور خدا نداشته باشند (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 111-116).

لحظه رستگاری زمانی است که خداوند به وسیله روح القدس وارد روح انسان می‌شود. با حضور روح القدس در انسان روح به طور کامل خود را از آنچه منفور و ناسازگار با اراده الهی است، دوری می‌کند، از طریق عشق در خدا متحول می‌شود (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 119) یوحنا تذکر می‌دهد در «اتحاد جوهری و اتحاد تشبیهی» وارد حوزه پانتئیسیم نشویم که در آن همه چیز خداست. یوحنا در اینجا اشاره می‌کند: «... وقتی خدا این لطف ماوراء طبیعی را به روح عطا می‌کند، اتحاد بزرگی ایجاد می‌شود». یوحنا در کتاب دوم سه قوه عقل، حافظه و اراده و فضایل کلامی شامل ایمان، امید و عشق را یادآوری می‌کند. ایمان تنها وسیله تقریبی برای اتحاد با خدا برای عقل است و برای وقوع این امر، عقل باید از هر چیز مربوط به آن خالی شود. یوحنا توضیح می‌دهد برای تشبیه ایمان عقل تا رسیدن به علم باید از تمام وسایل کسب علم کند.

زمانی که فرد از راه تخیل و تجربه حسی نیایش قادر به تمرین مراقبه نیست، از راه تدبیر می‌تواند به این کار مبادرت ورزد. یوحنا تدبیر را روشی می‌داند که در آن عقل شناخت بالاتری از خدا را تجربه می‌کند. به عبارتی دیگر او تدبیر را حکمت پنهان خدا یا رازی می‌داند که عقل آن را دریافت می‌کند (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 128-129).

یوحنا به دلهره تخیلی اشاره می‌کند و درباره زمانی که شخص به مراقبه دل بستگی پیدا نمود، آسیب به روح ایجاد می‌شود و دلیلش تصاویر و اشکالی است که توسط حواس ساخته شده‌اند و از تجربیاتی است که در تمرین سکوت متفکرانه یک آرامش درونی خاص است و زمانی رخ می‌دهد که تمرکز عمدی روح در خداوند است؛ درحالی که نیازی به انجام یا احساس یا دیدن نیست (Peasgood, 2007: 203).

یوحنا توضیح می‌دهد روح در این آگاهی محبت‌آمیز، پیام خدا را منفعلانه دریافت می‌کند. او می‌افزاید: «به زودی آرامش الهی همراه با معرفت شگفت‌انگیز و متعالی خداوند، محصور در عشق الهی در روح وارد خواهد شد. این معرفت دوست داشتنی، تحول معنوی و اتحاد



با خداست» (Kinn, 2007: 177). هنگام تدبیر روح پاک با خدا متحد شده است. دانش او با دانش آسمانی متحد می‌شود و یوحنا پیشنهاد می‌کند حتی ممکن است فرد زمان را از دست بدهد و وقتی به لحظه حال برگردد، اثراتی که فرد از آن آگاه نیست، ایجاد شود و تفکر بدون استفاده از حواس را ایجاد می‌کند (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 148).

یوحنا درباره راه پیشرفت در تفکر بیان می‌کند برای اتفاق افتادن اتحاد با خدا، باید قوا خاموش شوند تا خداوند بر اتحاد الهی تأثیر بگذارد. انگار روشی برای خلع فشار تخلیه و سلب حقوق طبیعی استعدادها و فضایی برای روشنایی ماوراءالطبیعی ایجاد شده است (Thomas Dubay, 1990: 61). همان‌طور که عقل برای پیوند با خدا آماده می‌شود، حافظه و اراده به ترتیب با امید و عشق طهارت می‌یابند. روح در شب تاریک، شناخت خود را از حافظه و خدا از دست می‌دهد. حافظه پاک شده از دانش تهی می‌شود و گاهی در تلاش است چیزی را به خاطر بسپارد؛ زیرا در این حالت حافظه با خدا متحد شده و امید را حفظ می‌کند. در این مرحله یوحنا یادآوری می‌کند یک حافظه دگرگون شده آزادی از وابستگی به متعلقات را تجربه می‌کند؛ در نتیجه این ارواح فقط کارهای شایسته و معقول انجام می‌دهند و روح خدا به آنها می‌گوید آنچه را باید نادیده گرفت، نادیده بگیرید و آنچه را باید باشد، به خاطر بسپارید. این باعث می‌شود آنچه را باید دوست داشته باشند، دوست بدانند و آنچه را خدایی نیست، دوست ندارند (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 217).

امید سبب تطهیر حافظه می‌گردد؛ ولی سه مانع از این روند جلوگیری می‌کند. اولین مورد توانایی حافظه برای حفظ دانش و بازتاب‌های مضری است که مانع این روند می‌شوند. یوحنا حافظه انسان و توانایی حافظه برای فریب دادن عقل را از طریق دروغ، قضاوت‌ها، ازدست دادن زمان و بسیاری از شرارت‌های متعدد دیگر بیان می‌کند که ناخالصی‌های زیادی در روح ایجاد می‌کند و این افکار منجر به محرومیت از دریافت توجه‌های از جانب

خداوند می‌گردد. حافظه‌ای که با امید خاموش شده است، روح را آرام می‌کند تا بتوان با آن ارتباط عمیق برقرار کرد (Kinn, 2007: 177).

مانع دوم به طور طبیعی با مانع اول وجود دارد؛ وارد شدن شیطان به حافظه، بزرگ‌ترین آسیبی است که به روح وارد می‌شود و به موجب آن شیطان می‌تواند با تکیه بر دانش خود اشکال، عقاید و استدلال‌ها بیفزاید و به وسیله آنها او را به غرور، بخل، خشم، حسادت، عشق بیهوده و بسیاری از انواع توهمات و ... سوق دهد. شیطان تنها از طریق اعمال قوا، عقل، حافظه و اراده و عمدتاً به وسیله دانشی که از طریق قوا به دست می‌آورد، بر روح تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین تاریک کردن حافظه و دانش آن، ناتوان کردن شیطان است. خاطرات منفی، تکرارشونده و حفظ شده در پیچه‌ای برای شیطان ایجاد می‌کند تا افکار تحریف‌کننده واقعیت را در خود جای دهد؛ در نتیجه صدمات زیادی به روح وارد می‌کند.

مانع سوم «حافظه تغییرناپذیر» است که قدرت خود را در زندگی روزمره حفظ می‌کند و این پتانسیل را دارد که مانع بزرگی برای زندگی معنوی باشد؛ یعنی محرومیت از خیر اخلاقی و معنوی. آشفتگی هرگز در روح به وجود نمی‌آید مگر از طریق شناخت حافظه و هنگامی که حافظه خاموش می‌شود، آرامش و عشق جایگزین غم و نفرت می‌شود. یوحنا از فواید فراموشی و رها کردن افکار برای متعادل کردن این سه مانع استفاده کرده است (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 221 - 222).

### ۳. شب منفعل حواس، شب تاریک

یکی از مراحل عرفان مسیحی، تهذیب و تطهیر نفس است؛ از این رو یوحنا به جنبه‌هایی از تطهیر شدید عقل، اراده و حافظه پرداخته است. شب منفعل حواس دو نوع تاریکی را به وجود می‌آورد: حسی و معنوی. یوحنا اظهار می‌کند شب حسی رایج است و برای بسیاری از مسیحیان

واقع می‌شود؛ ولی شب روحانی توسط افراد بسیار کمی تجربه می‌شود و تنها از افراد ماهر برمی‌آید و دیگران قادر به انجام آن نیستند. (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 311 - 313).

شب منفعل حسی که برای روح ناشناخته است و آنچه در این شب در برقراری ارتباط با خدا رخ می‌دهد، سیر انفعالی نفس به سوی نفی نفس و همه چیز است که بیشتر در مبتدیان دیده می‌شود. (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 298).

از نظر یوحنا اولین قدم سالک در این راه اعتراف به گناه است. مبتدیان به واسطه هفت گناه کبیره توانایی عشق ورزیدن به خدا، خودشان و دیگران را مسدود می‌کنند که این هفت گناه شامل غرور، حسادت، خشم، تنبلی، بخل، پرخوری و شهوت است. اصطلاح میل و اشتیاق برای ورود به شب خوش حواس لازم است و خداوند می‌خواهد انسان را به درجات بالاتری از عشق الهی و رهایی از اعمال حقیر حواس و مراقبه گفتمانی هدایت کند (Downey, 1993: 248 - 251).

یوحنا تعلیم می‌دهد هفت گناه مانع پیشرفت مبتدیان در شب روح می‌شود؛ اما از طریق مراقبه و تفکر می‌توان بر این موانع برتری یافت. (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 306) روح در وضعیت تفکر از مراقبه گفتمانی خارج می‌شود و خداست که در روح وارد می‌شود؛ بنابراین او را مقید می‌کند تا قوای باطن (حس مشترک، خیال، قوه واهمه، قوه حافظه و قوه مخیله) را قوی کند. البته تلاش سالک بدون بهره‌گیری از مراقبه و استمداد از خدا فایده‌ای ندارد، بلکه مانعی برای آرامش درونی و کار خداست. ثمره کوشش سالک آرامش، رضایت، توجه صلح‌آمیز و به دور از همه چیزهایی است که رضایت افراد مبتدی در آن بسیار محسوس است. شخص معنوی قادر نیست با استفاده از تخیل یا استفاده از حواس باطنی با ورود به شب حواس از مراقبه به تفکر هدایت شود. توصیه شده است فرد باید با صبوری و توکل به خدا ناامید نشود؛ زیرا خداوند در رساندن آنچه

برای شخص روحانی لازم است کوتاهی نمی‌کند. یوحنا توصیه می‌کند وقتی که آزادی روح را تجربه می‌کند، خود را از موانع و خستگی اندیشه برهاند که در این حالت توجه محبت‌آمیز و مسالمت‌آمیز خدا و بدون تلاش، زندگی معنوی خود را بچشند یا احساس کنند (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 312 - 317).

یوحنا باورمند است خداوند روح را در شب منفعل روشن می‌کند. عقل در این حالت ساکت و آزاد است تا مفاهیم خدا و حکمت الهی را بدون هیچ مانعی دریافت کند. انجیلی‌ها معتقدند خداوند با شخص روحانی صحبت می‌کند و او را می‌پذیرند؛ این تصور که ارتباط عموماً برای عقل قابل تشخیص است، یک بُعد از درک یوحنا از تعامل خدا با روح است که سبب شک و تردید برای روح می‌شود (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 623).

از آنجاکه ارتباط با روح به طور کامل ذهنی است، این استدلال طرح می‌شود که فرد مسیحی می‌تواند به راحتی توسط شیطان فریب بخورد. یوحنا توانایی شیطان را در حدس و گمان و فریب‌کاری تشخیص داده است که روح را از تمرکز به خدا به سوی تمرکز به توانایی خود هدایت می‌کند که همان غرور معنوی است؛ از این رو سالک باید همواره مترصد شیطان و اغواهای او باشد (Peasgood, 2007: 215).

#### ۴. شب منفعل روح، شب تاریک

در این مرحله شخص وارد تاریک‌ترین بخش یعنی شب منفعل روح می‌شود که به گفته یوحنا، تعداد کمی وارد آن می‌شوند. برای اهل نماز این شب دربرگیرنده گذار از ارتباطات شیرین با خدا از طریق حواس به تفکر است که منجر به پاک‌سازی روح می‌شود. (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 331) در این مرحله این تمایل وجود دارد که اهل نیایش در برابر گناه غرور تسلیم شوند و شیطان آنها را وادار کند تا رؤیاهای بیهوده و پیشگویی‌های دروغین را باور کنند. در این مرحله آنها را دچار سستی می‌کند و ارتباط با

معنویت اصیل را از دست می دهند؛ بنابراین روح القدس برای رسیدن به اتحاد با خدا تأثیر زیادی دارد. عشق، شادی، صلح، مهربانی، صبر، نیکی، وفاداری، ملایمت و خویشتن داری از نتیجه های کنترل زندگی ما توسط روح القدس است (Downey.M 1993: 429).

وقتی وارد شب روح شوند که هر دو بخش حسی و معنوی در آن وجود دارد؛ بنابراین از همه دلهره ها و لذت ها تهی می شود و روح در آن مسیر می افتد. اینها همه در سایه ایمان حاصل می شود که ایمان وسیله مناسب و کافی برای اتحاد با خداست. (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 332) روح در ارتباط مستمر با خدا در شب منفعل درک می کند خداوند در نهان همه جان ها ساکن و در آن پنهان است. سفر در شب تاریک قبل از طلوع فجر، انسان را به جایی می کشاند که تنها خدا در روح ساکن است و روح در این مرحله از تعلقات دنیوی پاک شده است. در شب منفعل روح خداوند در روح جاری می شود و روح را از جهل عادت، طبیعی و عادی رهایی می دهد. این قسمت از شب سخت تر از تجربیات قبلی است (Peasgood, 2007: 219).

به گفته یوحنا، عیسی به مثابه حکمت محبوب خدا در این لحظه از شب روح را تطهیر می کند. سؤال طرح شده این است که اگر نور الهی روح را روشن کند، چرا یوحنا این تجربه را تاریکی می نامد؟ در جواب باید گفت اولاً عظمت حکمت الهی فراتر از ظرفیت و توانایی روح برای دریافت آن است؛ ثانیاً به دلیل ذات گناه آلود انسان، حکمت دمیده شده برای آن دردناک و عذاب آور است؛ بنابراین زمانی که روح دچار رنج می شود، «تفکر تاریک» را تجربه می کند.

روح از بی لیاقتی خود در مقابل عشق بی اندازه خدا آگاه است. مصیبت دیگر اثر شدت شعله درونی عشق است که روح را مطیع و ضعیف می کند، تقریباً تا حدی که آرزوی مرگ می کند. نتیجه آنکه روح با عظمت خداوند مواجه شده است. او فکر می کند «... چقدر شگفت انگیز و رقت انگیز است که روح آن قدر ضعیف و ناپاک باشد که دست خدا هر چند سبک و ملایم،

باید بسیار سنگین و بر عکس احساس شود؛ در نتیجه این به استعاره‌ای معنا دار تبدیل می‌شود که شب تاریک را نشان می‌دهد (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 335 - 337). این شب منعکس کننده سفر عیسی در طول مصایب، رنج شدید، احساس رها شدن توسط خدا و آگاهی از هدایت شدن به سفر مرگ و سپس قیامت و رستاخیز روحانی است؛ زیرا روح نوعی مرگ را تجربه می‌کند. یوحنا با توجه به مدت زمان این شب تاریک خوانندگان خود را تشویق کرد: «... با صبر و حوصله از این پاک سازی رنج ببرند. خدا اکنون در روح کار می‌کند؛ به همین دلیل روح هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد». شدت تاریکی متناسب با پاک سازی مورد نیاز روح در نوسان است (Peasgood, 2007: 221).

انسان روحانی از تسلیم شدن در سفر شب تاریک غیر از اتحاد نهایی با خدا چه سودی می‌برد؟ از لحاظ روحی و روانی برای روح فوایدی را به دنبال دارد؛ فوایدی که به دلیل استقامت و شکیبایی شخص معنوی نصیب او می‌شود؛ مانند رفع بار دل بستگی، سبکی و آزادی روح. افزون بر این یوحنا بیان می‌کند روح در اینجا عشقی پر شور و شدید را تجربه می‌کند؛ زیرا این شور عشق را در روح شعله‌ور می‌کند. از آنجاکه این عشق تزیق شده بیشتر منفعل است تا فعال؛ بنابراین در روح شور شدید عشق ایجاد می‌کند. (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 353) روحی که با عشق دگرگون شده است، عاشقانه واقعی است. از آنجاکه ماهیت عشق این است که به دنبال متحد شدن، پیوستن، برابری و جذب شدن باشد، قدرتی که عشق در روح دارد، این اشتیاق را افزایش می‌دهد؛ اشتیاق، اراده‌ای است که اکنون با عشق ملتهب شده است (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979: 360).

یوحنا فرایند تطهیر روح را با تأثیر آتش بر روی یک کنده چوب مقایسه می‌کند؛ همان طور که روح برای اتحاد الهی از طریق تبدیل آماده شده است، چوب نیز برای تبدیل به آتش آماده می‌شود. اول باید از ناخالصی‌ها مانند رطوبت و سایر ناخالصی‌های بدون نقش در آتش سوزی پاک شود؛ در نهایت با گرم کردن و شعله‌ور کردن آن، آتش چوب را به خود تبدیل

می‌کند و آن را به زیبایی خود می‌سازد؛ در نتیجه قبل از تبدیل، روح باید از همه ناخالصی‌ها پاک شود (Kavanaugh, K & Rodriguez, 1979:350).

مثال فوق یک تعریف علمی مدرن از دگرگونی معنوی به یوحنا نسبت داده شده است. به گفته یوحنا شعله عشق به خدا که شیرین است می‌تواند مرز شیرینی و تلخی و ناخوشایندی برای حواس باشد. با این وجود شعله عشق دارای ثروتی بی‌کران است؛ لذت‌هایی که روح فقیر از دریافت آن عاجز است. وقتی این شعله انسان را تطهیر می‌کند، قادر است ثروت و جلال خداوند را درک کند. یوحنا می‌نویسد: این شعله قبلاً روح را به روشی وصف ناپذیر تحت فشار قرار می‌داد. هدف شب تاریک دگرگونی معنوی اتحاد با خداست که منجر به توانایی روح برای درک آزادانه و ارزش‌گذاری خود واقعی می‌شود. از نظر یوحنا ماهیت اتحاد و تبدیل روح در خداوند شبیه یک اتحاد فراطبیعی است... [این] اتحاد فراطبیعی زمانی وجود دارد که اراده خدا و روح منطبق است، به طوری که هیچ چیز برای دیگری نفرت‌انگیز نیست. وقتی روح کاملاً آنچه هست خلاص می‌شود، خداوند این کار را انجام می‌دهد تا با تبدیل روح به خود، آن را نرم، آرام و شفاف کند؛ همان‌طور که آتش به چوب نفوذ می‌کند (Peasgood, 2007: 223).

گفتنی است یوحنا در تمام این مراحل، فیض الهی و تقدم آن بر عمل را پیش شرط سیر و سلوک معنوی می‌داند. دگرگونی تنها با فیض، تغییر الهی را ممکن کرده است؛ یعنی دگرگونی پاسخ نهایی به آرزوی ما برای تمامیت است، کامل بودن و بلوغ روحانی از طریق روح القدس، زمانی است که ما به یک رابطه صمیمی با تثلیث وارد می‌شویم. با این وجود خداوند از طریق قدرت روح القدس، فرصتی برای دگرگون شدن به ما می‌دهد (Muto, S. 1994: 318).

## نتیجه

۱. استعاره «شب تاریک» نزد یوحنا وسیله‌ای است برای توضیح سفر روح در حال بیداری معنوی که مسیر اتحاد با خداوند را تجربه می‌کند.

۲. یوحنا بر دو جنبه از سفر روح متمرکز است: جستجوی انسان برای خدا (بخش فعال شب تاریک) و جستجوی الهی برای انسانیت (بخش منفعل شب تاریک). در هر جنبه‌ای از سفر، او دوگانگی را در فعالیت و انفعال ارائه می‌دهد و دگرگونی معنوی از دیدگاه یوحنا از ساختاری چهارگانه پیروی می‌کند: شب فعال حواس، صعود به کوه کرمل؛ شب فعال روح، صعود به کوه کرمل؛ شب منفعل حواس، شب تاریک؛ شب منفعل روح، شب تاریک.

۳. در شب فعال حواس برای رسیدن به اتحاد الهی، گذر از همه دل‌بستگی‌های بی‌حد و حصر ضرورت دارد.

۴. به طور معمول انسان به دو گونه فعال و غیرفعال وارد شب فعال حواس می‌شود.

۵. در شب فعال روح، مانه‌تنها باید برای رسیدن به خدا رضایت حسی را کنار بگذاریم، بلکه باید توانایی‌های معنوی مانند افکار، رویه‌ها و انتظارات را رها کنیم و یاد بگیریم تنها بر ایمان خالص تکیه کنیم.

۶. شب حسی منفعل دو نوع تاریکی را به وجود می‌آورد: حسی و معنوی.

۷. یوحنا اظهار نظر می‌کند شب حسی رایج است و برای بسیاری از مسیحیان اتفاق می‌افتد؛ اما شب روحانی (منفعل) توسط افراد بسیار کمی تجربه می‌شود و ظاهراً فقط توسط ماهرین انجام می‌شود.

۸. شخص معنوی قادر نیست با استفاده از تخیل یا استفاده از حواس باطنی با ورود به شب حواس از مراقبه به تفکر هدایت شود. توصیه شده است فرد بایستی با صبوری و توکل به خدا ناامید نشود؛ زیرا خداوند در رساندن آنچه برای شخص روحانی لازم است کوتاهی نمی‌کند.

۹. در مرحله شب منفعل روح، شخص وارد تاریک‌ترین بخش می‌شود که به گفته یوحنا تعداد کمی وارد آن می‌شوند. برای اهل نماز این شب شامل گذار از ارتباطات شیرین با خدا از طریق حواس به تفکر است که منجر به پاک کردن روح می‌شود.



۱۰. یوحنا در ارتباط مستمر با خدا در شب منفعل روح بیان می‌کند خداوند در نهان همه جان‌ها ساکن است و در آن پنهان است.
۱۱. از نظر یوحنا ماهیت اتحاد و تبدیل روح در خداوند شبیه یک اتحاد فراطبیعی است. اتحاد فراطبیعی زمانی وجود دارد که اراده خدا و روح منطبق است؛ به طوری که هیچ چیز برای دیگری نفرت‌انگیز نیست.
۱۲. هدف شب تاریک دگرگونی معنوی اتحاد با خداست که منجر به توانایی روح برای درک آزادانه و ارزش‌گذاری خود واقعی می‌شود.
۱۳. یوحنا فیض الهی و تقدم آن بر عمل را پیش شرط سیروسلوک معنوی می‌داند.

## کتاب‌نامه

- جعفری، عبد‌الخالق، بخشعلی قنبری و عبدالرضا مظاهری (۱۴۰۱ ش)؛ «مراقبه به روایت یوحنا صلیبی و علاءالدوله سمنانی»؛ عرفان اسلامی، دوره ۱۹، ش ۷۳.
- محمودی، ابوالفضل و لیلا رضایی (۱۳۸۷ ش)؛ «ویژگی‌های عشق الهی از دیدگاه یوحنا صلیبی»؛ پژوهشنامه ادیان، ش ۴.
- محمودی، ابوالفضل و لیلا رضایی (۱۳۹۲ ش)؛ «فنا‌ی از خود و مرگ خودخواسته در اندیشه عین‌القضات و یوحنا صلیبی»؛ ادیان و عرفان، سال چهل و ششم، ش ۱.
- Downey, M. (1993). "The new dictionary of Catholic spirituality", in: Liturgical Press.
- Kavanaugh, K & Rodriguez.)1979("The Collected Works of St. John of the cross", translated by Kieran Kavanaugh&Otilio Rodriguez. Washington: ICS Publications.
- Kinn, J. W. (2007). "Beginning Contemplation According to John of the Cross". in: Review for Religious, p.66.
- Muto, S. (1991). "John of the Cross for today": The Ascent. Ave Maria Press.
- Muto, S. (1994). "John of the Cross for today": The dark night. Ave Maria Press.

- Peasgood, J. M. (2007). "The Relevance of John of the Cross (1542-1591)", for Canadian Prairie Evangelical Spirituality (Doctoral dissertation, University of South Africa).  
Thomas Dubay, p. 63; Also see Welch, J., & Carm, O. (1990). "An Introduction to John of the Cross: When God's Die". In: Mahwah JN: Paulist.

## References

- Downey, Michael. 1993. *The new dictionary of Catholic spirituality*. Collegeville, Minnesota: Liturgical Press.
- Jafari, Abdolkhalegh, Bakhshali Ghanbari, and Abdorreza Mazaheri. 1401 Sh. "Murāqibih bih rivāyat-i Yūḥannā Ṣalībī va 'Alā' al-Dawla Simnānī" [Meditation as narrated by John of the Cross and 'Alā' al-Dawla Simnānī]. *ʿIrfān-i Islāmī* 19, no. 73 (October): 87-104.
- John of the Cross. 1979. *The Collected Works of St. John of the Cross*. Translated by Kieran Kavanaugh and Otilio Rodriguez. Washington: ICS Publications.
- Kinn, James W. 2007. "Beginning Contemplation According to John of the Cross." *Review for Religious* 66, no. 2.
- Mahmoudi, Abolfazl and Leila Rezaee. 1387 Sh. "Vīzhigī-hāyi 'ishq-i ilāhī az dīdgāh-i Yūḥannā Ṣalībī" [Characteristics of divine love in the view of John of the Cross]. *Pazhūhishnāmīh-yi adyān* 2, no. 4 (October): 161-92.
- Mahmoudi, Abolfazl and Leila Rezaee. 1392 Sh. "Fanā-yi az khud va marg-i khud-khāstih dar andīshih-yi 'Ayn al-Quḍāt va Yūḥannā Ṣalībī" [Self-annihilation and voluntary death in the views of 'Ayn al-Quḍāt and John of the Cross]. *Adyān va 'irfān* 46, no. 1 (May): 51-62.
- Muto, Susan. 1991. *John of the Cross for today: The Ascent*. Notre Dame, Indiana: Ave Maria Press.
- Muto, Susan. 1994. *John of the Cross for today: The dark night*. Notre Dame, Indiana: Ave Maria Press.
- Peasgood, Joyce Marie. 2007. "The Relevance of John of the Cross (1542-1591) for Canadian Prairie Evangelical Spirituality." PhD diss., University of South Africa.
- Welch, John, and O. Carm. 1990. *An Introduction to John of the Cross: When God's Die*. Mahwah JN: Paulist.